فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال سی و سوم، شماره اول، بهار ۱۳۹۷، شماره پیاپی ۱۲۸

دکترطیبه محمودی محمدآبادی* پژوهشگر پسادکترا، ژئومورفولوژی، دانشگاه اصفهان، ایران **Dr.T. Mahmodi Mohammad Abadi**
دکتر محمدحسین رامشت، استاد، ژئومورفولوژی، دانشگاه اصفهان، ایران **Dr.M. H. Ramesht**
Taybeh.mahmoodi@gmail.com

طرح‌واره آمایش بنیادین ایران و افتراق‌ها

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۹/۱۱ پذیرش نهایی: ۹۷/۱/۱۵

DOI: 10.29252/geores.33.1. 26

چکیده

آمایش سرزمین از جمله علوم میان‌رشته‌ای است که در عصر ما جایگاه و شانیت خود را در بسیاری از کشورها بازیافته است. ولی این نکته را هم نمی‌توان ازنظر دور داشت که درپاره ای موارد کامیابی مطلوبی هم به دنبال نداشته است. برای جغرافیدانان ایرانی همواره این سؤال مطرح بوده است که علت ناکامی برنامه‌های آمایشی ایران با اجرای ده برنامه ۵ ساله را باید در کجا جستجو کرد؟ این پرسش و ده‌ها پرسش دیگر پیرامون فرایند و ویژگی‌های پیشرفت و توسعه در ایران سبب شد که جمعی از محققان ایرانی در قالب موسسه‌ای غیردولتی تحت عنوان مرکز الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، گرد هم آمده و با پشتیبانی جمع نسبتاً کثیری از دانشمندان ایرانی در سال ۱۳۹۰ با تشکیل اندیشکده‌های متعددی در این زمینه به کالبدشکافی و ارائه الگویی برای توسعه ایران مبادرت کنند. یکی از اندیشکده‌های این مجموعه اندیشکده آمایش بنیادین است که نتایج کارهای خود را به‌صورت تک‌نگاشت‌هایی منتشر کرده است. واکاوی اسناد منتشرشده در این اندیشکده و همچنین تحلیل نظرات ۱۸ تن از اندیشمندان حوزه آمایش، با روش پدیدارشناسی و با استفاده از مدل شبکه معنایی واژگان ویتگنشتاین نشان می‌دهد که محققان ایرانی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در مورد آنچه به‌عنوان دانش آمایش سرزمین ارائه شده است نظرات متفاوتی دارند. در این خصوص می‌توان تفاوت‌های نظری عمده آن‌ها را در سه مورد بیان کرد: الف-آمایش دانشی تجربی با قواعد جهان‌شمول صرف نمی‌باشد و تابعی از دستگاه جغرافیایی و فرهنگی ملل است ب-سرزمین، ظرف مکانی شکل‌گیری یک نظریه ارزشی است و برحسب تفاوت‌های ارزشی جوامع، چارچوب‌های متفاوتی از فضا شکل می‌گیرد. بنابراین چارچوب‌های ارزشی اسلام نوع دیگری از فضا را شکل خواهد داد که در دستگاه فرهنگی آتن امکان‌پذیر نیست. ج- هویت مکانی شاخص مغفول در دانش آمایش سرزمین است که در آمایش بنیادین بر آن تأکید خاصی می‌شود. این عامل، تضمین‌کننده رشد خلاقیت و به رسمیت شناختن سازمندی‌های اجتماعی در جوامع ایران است.

واژگان کلیدی: آمایش سرزمین، پدیدارشناسی، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، دستگاه جغرافیایی

مقدمه

برای محققان و جغرافیدانان ایران همواره این سؤال مطرح بوده که علی‌رغم اجرای ده برنامه ۵ و ۷ ساله و سرمایه‌گذاری‌های هدفمند با مشارکت و به‌کارگیری پیشرفته‌ترین نظریه‌های محققان آمریکایی و اروپایی چرا ایران به اهداف توسعه دست نیافته است. تأملات اولیه بر ضرورت تعمیق بخشیدن به دانش آمایش و تربیت متخصصان ورزیده در این امر تأکید داشت و پرداختن به این مسئله، وجوه مهم و معرفتی دقیق‌تری را بر آن‌ها معلوم داشت. درمجموع مرکز الگوی اسلامی– ایرانی پیشرفت در واکنش

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.29252/geores.33.1.26]

به این پرسش به وجود آمده و بیانگر این فهم است که به‌صورت اجمالی حوزه مدنی ایرانی‌ها با حوزه تمدنی آتن[۱] متفاوت است (شکل ۱) و چون سرزمین و جهان‌بینی آن‌ها متفاوت است، لذا الگوی توسعه آن‌ها نیز متفاوت خواهد بود زیرا نگاه ایرانیان به مسئله سعادت بشری با آن‌ها همسان نیست. اکنون به‌طور قاطع می‌توان گفت، ایرانیان به‌صورت اجمالی می‌دانند که نسبت آن‌ها با جوامع پیشرفته امروزی چیست؟ و جهان آن‌ها با جهان‌بینی حوزه تمدن آتنی چه تفاوتی دارد و تاریخ و هویت سرزمینی‌شان چه نقشی در این افتراق‌ها بازی کرده و می کند.



شکل ۱- تقسیم‌بندی یوستین اگارد از قلمروهای دانش

منبع:نگارندگان

پیشینه پژوهش

کلمه آمایش به مجموعه فعالیت‌هایی اشاره دارد که به معنی آراستن، آمیختن، و آماده کردن و از واژه آمنگار[۲] در زبان اقتباس‌شده است. آمایش سرزمین را نخستین بار وزیر بازسازی و مسکن فرانسه در دهه ۱۹۴۰ به کاربرد، اما به‌سرعت در فرآیند توسعه مقبولیت عام یافت[۳] (وحیدی،۱۳۷۳ :۳۴) به‌گونه‌ای که امروزه وظیفه تفکر در خصوص سازمان‌دهی فضایی کشور و ایجاد تعادل بین سه عنصر انسان، فضا و فعالیت تعریف می‌شود(Lacaze , J.P,1995 :35). به عقیده برخی از صاحب‌نظران مانند فیلیپ لامور موضوع اساسی که آمایش سرزمین را تعریف می کند مدیریت کشور است (Hansen, Higgins, 1990 :28). برخی نیز آمایش سرزمین را نوعی برنامه برای توزیع بهتر جمعیت، امکانات و فعالیت‌های مختلف به‌منظور افزایش رفاه، آسایش و هماهنگی جامعه می‌دانند(Henry, William, 2002 :32). طبق نظر آدن و مورگان، هدف اساسی از آمایش سرزمین توزیع فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و به‌کارگیری ظرفیت‌های آشکار و پنهان با دیدی درازمدت به منظور بهره‌برداری بهینه از امکانات خاص هر منطقه بر اساس توانمندی‌ها و قابلیت‌های آن مناطق است(Aden, Morgan, 2001 :85). مقوله آمایش بین المللی که متأثر از کتاب زیستن در محیط‌زیست است. بعد از دهۀ هفتاد میلادی در آثار برخی، متفکرین همچون تافلر نمود پیدا کرد (Miller,G.F, 2001 :10) موج سوم، دوران پیدایش خانه-کارخانه‌هاست؛ جایی که افراد در آن‌هم زندگی می کنند و هم کار؛ در این جامعه تمایز میان مصرف کننده و تولید کننده از بین خواهد رفت و حدفاصل میان دولت و ملت برداشته خواهد شد و متخصصان آمایش سرزمین هدایت منابع اصلی و مدیریت کلان را به دست می گیرند و تحولات مختلف را رقم می-

---

[۱]. تمدن‌ها و قلمرو آن‌ها از نظر یوستین اگارد در سه گروه بزرگ هلال خصیب(Unity) ، چین و ماچین(Duality) و آتن(Trinity)، طبقه‌بندی شده‌اند و آنچه امروز در امریکا و اروپا بوجود آمده را متعلق به تمدن آتن می‌دانند(اگارد،۱۹۵۲).

2. Amenagar

[۱]. آمایش سرزمین ترجمه اصطلاحی l'aménagement du territoire از زبان فرانسه است (قورچیان،۱۳۸۵).

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.29252/geores.33.1.26]

زنند(Mitchel, 2003: 83). به‌زعم برخی از صاحب‌نظران آمایش سرزمین، بهترین، ارزان‌ترین و مؤثرترین راه مدیریت و برنامه-ریزی محیط‌زیست، مؤلفه‌های اقتصادی و رفاه اجتماعی است(Mayer, 1994 :64). به اعتقاد میسرا[1]، آمایش، مجموعه‌ای از مفاهیم، رویکردها، روش‌ها و ابزارهای موردنیاز برای دستیابی به سازمان و ساختار فضایی مطلوب است(Misra,1978 :2). همچنین واسیلواسکا و واسیک[2]، آمایش را، راهی برای مداخله در فرآیندهای توسعه فضایی به‌منظور ایجاد ساختاری متفاوت‌تر و پایدارتر معرفی می‌کند(Vasilevska, Vasic, 2009 :32). اسپون[3] ، تلاش می‌کند تا برنامه‌ریزی آمایشی را راهی برای برقراری به توازن بین تقاضا برای توسعه معرفی کند و با ضروری دانستن حفظ محیط‌زیست، سازمان فضایی عقلایی‌تری برای استفاده از زمین معرفی می‌کند (Espon, 2013 :11).

ویلیام[4] آمایش را به‌عنوان مجموعه‌ای از سیاست‌هایی تعریف می‌کند که با هدف تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌های مکانی و استفاده از زمین در مقیاس جغرافیایی دنبال می‌شود (Williams,1996 :41). هم‌چنین نیدهام[5] آرایش ساختمان‌ها، زیرساخت‌ها و فعالیت‌ها در فضا را درنتیجه اتخاذ سیاست‌های آمایشی می‌داند (Needham, 1998 :77).

به نظر استید و نادین[6] نقش اصلی برنامه‌ریزی آمایش سرزمین عبارت است از، آرایش منطقی‌تر فعالیت‌ها و ایجاد سازگاری بین سیاست‌های متعارض. وی شش اصل برای برنامه‌ریزی آمایشی تدوین کرد. که عبارت است از اصل مردم‌سالاری، اصل اختیار و تصمیم‌گیری[7]، اصل مشارکت، اصل تلفیق، اصل تناسب[8]، اصل احتیاطی[9] (Stead, Nodin, 2008 :55) در همین راستا کمسیون اروپایی[10] (۱۹۹۷: ۳۹) برنامه‌ریزی آمایش سرزمین را روش‌هایی بر توزیع آینده فعالیت‌ها در فضا تعریف می‌کند(European Commission, 1997 :39).

بوهم[11] مقیاس‌های متفاوتی برای برنامه‌ریزی آمایشی از سطح محلی، منطقه‌ای تا فراملی (فرامرزی) قائل می‌شود و بنابراین آمایش را مفهومی گسترده‌تر از برنامه‌ریزی منطقه‌ای می‌داند(Bohm, 2002 :11). کوریساوا و کانویتز[12] معتقدند که، حوزه ریزی آمایش سرزمین از کشوری به کشور دیگر فرق می‌کند، اما تشابهات مشترک متعددی بین آن‌ها وجود دارد. تقریباً در همه کشورها، برنامه‌ریزی آمایشی با شناسایی اهداف بلندمدت و میان‌مدت، تدوین استراتژی‌هایی برای مناطق، ساماندهی کاربری زمین و توسعه فیزیکی و هماهنگی سیاست‌های بخشی(مانند کشاورزی، حمل‌ونقل و محیط‌زیست) همراه است Koresawa, Konvitz, 2001 :33)

نادین[13] معتقد است، برنامه‌ریزی آمایشی به همان میزان که فرایندی فنی است، سیاسی نیز هست. سیاسی است نه فقط از حیث آن که سیاست در فرآیندها وجود دارد، بلکه مفاهیم و ایده‌هایی که در برنامه‌ریزی آمایشی استفاده می‌شود نیز سیاسی است (Nodin, 2008 :11). استید و همکاران[14] برنامه‌ریزی آمایش سرزمین را فرصتی برای هماهنگی بین سطوح دولت در اقدامات مکمل می‌داند و معتقد است این تلفیق موجب انسجام سیاست‌ها و کاهش رقابت‌های مخرب در کشور می‌شود(Stead, 2004:111) ژان‌پل لاکاز معتقد است رسیدن به مطلوب‌ترین توزیع ممکن جمعیت، توسط بهترین شکل توزیع فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی

1. Misra, R. P. (1978)
2.Vasilevska, Vasic(2009)
3. Espon (2013)
4.Williams (1996)
5.Needham (1998)
6. Stead, Nodin (2008)
7. The Subsidiarity principle
8. The proportionality principle
9. The precautionary principle
10. European Commission (1997)
11. Bohm (2002)
12 . Koresawa, Konvitz
13.Nadin (2000)
14. Stead et al(2004)

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.29252/geores.33.1.26]

منظور آمایش سرزمین، است. امری که در برنامه‌های توسعه ایران تاکنون به‌طورجدی نمودهای خود را نشان نداده است (Lacaze, 1995: 95) به همین علت این پژوهش سعی دارد افتراق‌های موجود بین اصول آمایش سرزمین به معنای متداول و آمایش بنیادین را با اتکا به متن نظرات ۱۸ اندیشمند[1] حوزه آمایش و بررسی متون تک‌نگاشت‌های محققان مرکز الگوی اسلامی_ ایرانی پیشرفت، تبیین نماید.

روش پژوهش

پژوهش حاضر که تحلیلی بر متن‌های منتشرشده در مرکز الگوی اسلامی– ایرانی پیشرفت و دیدگاه ۱۸ اندیشمند بین‌المللی حوزه آمایش است و متکی به روش تحلیل گفتمان[2] می باشد. در این روش، برای دریافت معنای نهفته در داده‌ها و تحلیل آن‌ها، به‌غیراز مشاهده مستقیم داده‌ها، به واکاوی مفاهیم پنهان و نهفته در متن توجه می‌شود و به جای استفاده از پرسشنامه، مصاحبه و سایر ابزار جمع‌آوری اطلاعات، گفتار و نوشتارهای پدید آورده شده و پیام‌های آن‌ها استنتاج و استنباط می گردد. به‌منظور دستیابی به چنین هدفی در مرحله اول ابتدا به انتخاب پنج تک‌نگاشت از مجموعه تک‌نگاشت‌های منتشرشده این مرکز در حوزه آمایش مبادرت گردید. تک‌نگاشت‌های برگزیده در این تحقیق عبارت بود از:

تحلیل پیشینه عملیاتی و تجربیات آمایش در کشورهای منتخب (صادقانی شیرازی،۱۳۹۵: ۲۵)، تحلیل و تبیین مبانی نظریه‌ها و روش‌شناسی متعارف آمایش سرزمین (فرج زاده، ۱۳۹۵: ۳۲)، آمایش سرزمین تحلیل پیشینه عملیاتی و تجربیات در ایران (آرامی،۱۳۹۵: ۲۵)، تحلیل انتقادی و آسیب‌شناسی برنامه‌های آمایش در ایران (ابراهیمی،۱۳۹۵: ۳۱)، دستگاه جغرافیایی ایران (راهدان مفرد، ۱۳۹۵: ۶۸). سپس با بررسی مفاهیم مطرح‌شده در آثار ۱۸تن از محققان سرشناس این حوزه نسبت به انتخاب گزاره‌های شاخص آن‌ها اقدام گردید.

در مرحله دوم، بعد از انتخاب مفاهیم گزاره‌های تک‌نگاشت‌ها و صاحب‌نظران حوزه دانش آمایش به تحلیل محتوای این متون در ابعاد برداشت‌های مفهومی، نظام ارزشی ، ساختار و مراتب و نظام پایش برنامه‌های آمایشی مبادرت گردید. بدین نحو که،ابتدا واژگان کلیدی تبیین کننده مفاهیم اصلی و مشترک در آمایش متداول در هر یک از تک‌نگاشت‌ها و متن‌ها استخراج و سپس با آن چه در محتوای نوشتارهای آمایش بنیادین مطرح است، مقایسه و میزان افتراق در این متون شناسایی گردید. این فرایند، در نهایت به‌صورت مقایسه‌ای به بارزسازی افتراق‌های حاکی از تفاوت‌های آمایش متداول و بنیادین منجر شده است(شکل۲).

---

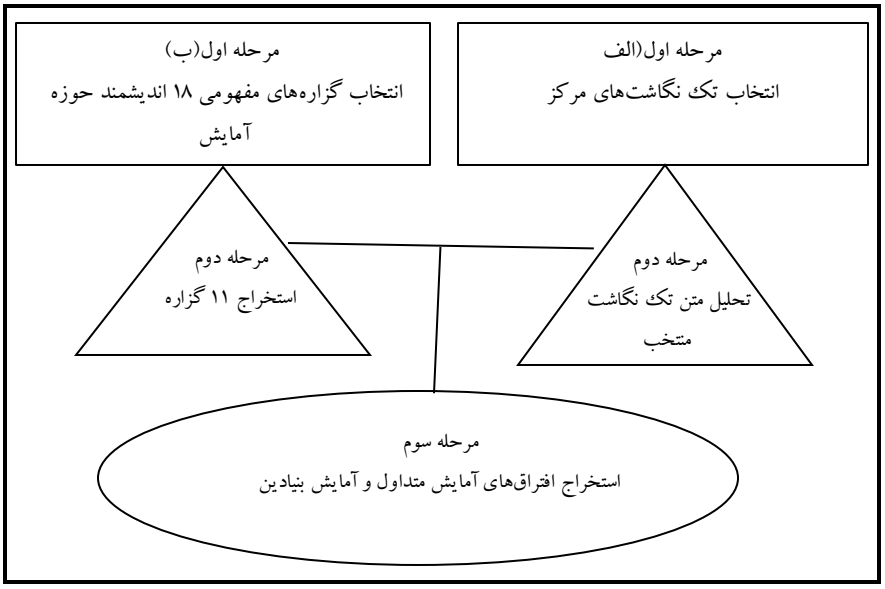
[1] . وحیدی (۱۳۷۳)، Lacaze , J.P(1995)، Hansen, N.M, Higgins (1990)، Henry,W (2002)، Aden, j,Morgan , R(2001)، Miller,G.F.(2001)، Mayers,N(1994)، Misra, R. P. (1978)، Vasilevska,Vasi(2009)، Mitchel, G.(2003)، Koresawa, Konvitz(2001)، Espon(2013), William(1996)، Needham(1998)، Stead، Bohm(2002)، Nodin(2008)، Nadin (2000)، Stead et al (2004) .

2. Discourse Analysis

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.29252/geores.33.1.26]

شکل۲- مراحل و فرایند تحقیق



مبانی نظری

در محافل علمی موضوع توسعه با چالش‌های جدی روبرو شده است زیرا مفاهیمی چون ترقی، توسعه، توسعه همه‌جانبه و جامع، توسعه پایدار و اخیراً توسعه خلاق سیری در صفاتی است که در طول زمان به برنامه‌های توسعه داده‌اند. اما بعد از تجارب عملی پیامدهای حاصله آن چیزی نبوده است که دنبال می‌شده است. لذا این بینش با انتقادهای گوناگون همراه بوده است.

این بحث‌ها منجر به ایده‌های جدیدی در زمینه پیشرفت شده است، از جمله اینکه پیشرفت دارای پشتوانه‌ای فکری است و تا چارچوب‌های معرفتی فرایند پیشرفت مشخص نباشد نمی‌تواند آرزوها و آمال یک ملت را ارزیابی و خرسندی آن‌ها را از تحولات به درستی تبیین کرد. به‌عبارت‌دیگر پیشرفت تنها تغییر ساختارهای کالبدی را در برنمی‌گیرد و ملاحظات دیگری را نیز شامل می‌شود. در این پژوهش این تفاوت‌ها با یک روش مقایسه‌ای با واکاوی نظرات ۱۸ تن از محققان تعریف پیشرفت از دیدگاه آمایش بنیادین و آمایش متداول با وضوح بیشتر به تصویر کشیده می‌شود.

یافته‌های تحقیق

با واکاوی و بررسی نظرات هجده محقق فوق‌الذکر، ۱۰ گزاره مفهومی راجع به آمایش که مفاد آن با یکدیگر تفاوت داشت، استخراج گردید . در این میان ۹ عدد از این گزاره‌ها در حوزه آمایش متداول و ۱ مورد آن در حوزه آمایش بنیادین قرار می‌گیرد. ۹ گزاره مفهومی مستخرج ازنظرت اندیشمندان حوزه آمایش متداول عبارت است از:

الف :

- آمایش سرزمین نوعی بینش سازمان‌دهی فضای سرزمینی(Lacaze, 1995)
- آمایش سرزمین یک نوع بحث مدیریتی (فیلیپ لامور، ۱۹۹۵)
- آمایش سرزمین برنامه‌ای برای توزیع جمعیت، امکانات و فعالیت (Henry, 2002)
- آمایش سرزمین برنامه‌ای برای رفاه جامعه(Aden, Morgan, 2001)
- آمایش سرزمین یک مسئله فراملیتی که سبب کمتر شدن فاصله بین دولت و ملت می‌شود (تافلر، ۱۹۹۶)
- آمایش سرزمین نوعی ساختارشکنی در شبکه فضایی (Vasilevska,Vasi, 2009)
- آمایش سرزمین نوعی تعادل‌بخشی بین تقاضای توسعه و محیط‌زیست (Espon, 2013)

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.29252/geores.33.1.26]

- نوعی تصمیم‌گیری سیاسی به معنای Politic است(William, 1996)

- آمایش سرزمین ایجادکننده سازگاری بین سیاست‌های متعارض در یک سرزمین که سبب همگرایی سرزمین می‌شود (Needham, 1998)

ب :

گزاره مفهومی مستخرج از نظرات محققان حوزه آمایش بنیادین عبارت است از:

- راهدان: آمایش بنیادین "بهبود سازمندی‌های اجتماعی آرزومندی‌های ملی در دستیابی به تمدن "

برای تحلیل متون تک‌نگاشت‌های مرکز اسلامی- ایرانی پیشرفت بر روی واژه‌های اختصاصی و سپس به واکاوی معنایی جملات و متون مبادرت گردید. واکاوی‌ها نشان می‌دهد که تفاوت‌های آشکاری با آنچه در دانش آمایش متداول مطرح است قابل‌ردیابی است که مهم‌ترین موارد آن عبارت است از:

مفهوم پیشرفت بجای توسعه

از مفاهیم مهمی که در متون و حتی در نام مرکز حکایت از تفاوت میان آمایش متداول و آمایش بنیادین خود می‌نماید، واژه پیشرفت[۱] در مقابل واژه توسعه[۲] است. در نوشته‌ها و ادبیات گفتاری مرکز چنین مطرح است که مفهوم توسعه بیشتر به رشد فیزیکی و شاخص‌های کالبدی معطوف است به‌طوری‌که مفهوم رشد در مقوله توسعه، بار رقومی و کمی دارد، حال‌آنکه واژه پیشرفت حامل بار معنایی و کمال‌جویی نیز هست، چنانکه به‌عنوان مثال در مورد مفهوم باسوادی، در مقوله توسعه میزان سواد و تعداد دانش آموزان و دانشجویان و افراد دارای مدارج تحصیلی مدنظر قرار می‌گیرند اما در مقوله پیشرفت، مفهوم باسوادی قدرت تحلیل و بصیرت، که دارای بار ارزشی و معنایی است را نیز شامل می‌شود. عناوینی که برای برنامه‌های هفت‌ساله و پنج‌ساله ایران در نظر گرفته‌شده، دقیقاً حکایت از چنین نظری در نزد آمایش‌گران متداول دارد. برای مثال عنوان برنامه‌های تدوین‌شده در دوره پهلوی دوم تحت عنوان برنامه توسعه و عمران و عناوین برنامه‌های پنج‌ساله در عهد جمهوری اسلامی تحت عنوان برنامه توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران نام‌گذاری شده‌اند، هر دو گواه بر این مدعاست. اگرچه در طول اجرای برنامه‌ها واژه‌های دیگری چون برنامه‌ریزی جامع و یا توسعه پایدار[۳] و... به‌کار گرفته‌شده است ولی می‌توان به‌کارگیری چنین اصطلاحاتی را بیشتر ناشی از اشکالات پیش‌آمده در سیر تکوین اجرای این برنامه‌ها دانست. در مورد واژه‌هایی چون پایداری در توسعه نیز اختلافات جدی بین آمایش گران بنیادین و متداول دیده می‌شود به‌طوری‌که معتقدند توسعه اصولاً و ذاتاً امری ناپایدار کننده است و آنچه تحت عنوان توسعه پایدار طرح‌شده زاییده عدم کارایی نظریه توسعه است، از طرفی، با مداقه در تعاریف[۴] و توضیحات واژه توسعه پایدار به‌خوبی می‌توان شاهد ایجاد ساختاری جدید بر روی ساختارهای قبلی بود. این بدان معنی خواهد بود که هر ساختارشکنی نوعی ناپایداری را به دنبال خواهد داشت و تجربیات چند دهه نشان داد که با افزودن واژه پایداری نمی‌توان امری را که به ذات آشفتگی و ناپایدارکننده است را مقبول نشان داد. تعریفی را که کمیسیون ویژه براندلند سازمان ملل در سال ۱۹۸۷ میلادی (۱۳۶۶ه. ش) ارائه داد بیشتر به یک شوخی لفظی شبیه بود، آینده‌ای که با تغییرات مدوام و مستمر فعلی نمی‌توان نیازهایش را حتی گمان زد چه رسد به آنکه آن را برآورد نمود. بنا به عقیده لاکه مهم‌ترین و محوری‌ترین ایده ملحوظ در توسعه پایدار الزامی است که در برابر نسل آینده دارد. این الزام نوعاً اخلاقی است ولی در عمل هم‌دست نیافتنی است و یا بیشتر به یک

---

۱. Progressive

۲. Development

۳. Sustainable development

۴. براساس تعریف کمیسیون جهانی محیط زیست توسعه پایدار توسعه‌ای است که نیازهای نسل فعلی را بدون ایجاد اشکال در توانایی نسل‌های آینده در برآوردن احتیاجات خود تأمین می‌کند. اصطلاح توسعه پایدار اولین بار توسط باربارا وارد (B.Ward._Cocoyoe-۱۹۷۰) در اعلامیه کوکویاک درباره‌ی محیط زیست و توسعه به کار رفت.

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.29252/geores.33.1.26]

توصیه اخلاقی شبیه است، زیرا در بسیاری از موارد مانند توسعه گردشگری و حفاظت از میراث‌های فرهنگی نمی‌شود حفاظت بخشی از میراث فرهنگی را به آیندگان واگذار کرد و در مورد بسیاری از منابع هم در بستر زمان شانیت خود را ازدست‌داده‌اند. برای مثال معادن ذغال سنگ را مثال می‌آورند که در حال حاضر میلیون‌ها تن از این منبع انرژی وجود دارد ولی هیچ‌کس به بهره‌برداری از آن فکر هم نمی‌کند زیرا در دنیای فعلی دیگر این منابع ارزش و اهمیت خود را ازدست‌داده‌اند. منابع فعلی نیز در آینده می‌توانند چنین سرنوشتی داشته باشند. لذا حداقل می‌توان چنین گفت، تعریفی که از پایداری شده دارای نقص فراوان است و ارزیابی آن تقریباً غیرممکن و یا تفسیرپذیر خواهد بود.

مفهوم ایرانیت در آمایش بنیادین

یکی دیگر از تفاوت‌های مهم در آمایش متداول و بنیادین به‌کار بردن مفهوم ایرانیت است. موضوع ملیت در ایران همواره معارضات و کشمکش‌های خاصی را به دنبال داشته است و این تعارض‌ها همواره بین سه گروه محققان علمی با گرایش‌های مذهبی و ملی و آزاد مطرح بوده است. نمونه‌ها و مصادیق آن در دوره مشروطه، نهضت ملی نفت و حتی انقلاب اسلامی فراوان دیده‌شده است. این کشمکش‌ها بیشتر به سابقه نوع نگاه به مسئله ملیت و اصول و مبانی دینی در اروپا از یکسو و سابقه تفکرات قبل از اسلام در عربستان و تفکر استقلال دانش از فرهنگ بازمی‌گردد. در این نوع نگاه، ملی‌گرایی ارجحیت خود را در برابر تفکرات دینی مطرح می‌کند و اخذ ارزش‌های دینی را نوعی تبعیت از اعراب تلقی و اسلام‌گرایی را به‌مثابه بیگانه‌پرستی در برابر وطن‌پرستی می‌دانند. حتی برای بسیاری این نوع تعریف از مسئله، پرسشی اساسی را برای آن‌ها مطرح می‌کند و آن اینکه چرا ایرانیان باید سنگ اعراب را به سینه بزنند. از سوی دیگر مذهبیون، ملی‌گرایی و طرح برتری‌های قومی را وام گرفته از افکار جاهلی عربی، افلاطونی، داروینیسم و ناسیونالیسم غرب دانسته و آن را مغایر با تفکرات اسلامی می‌دانند. گروه سوم آمایش سرزمین را دانشی عام و فارغ ازاین‌گونه مسائل دانسته و معتقدند علم آمایش مانند دانش فیزیک و یا دیگر علوم تابع هیچ‌یک از این مسائل فرهنگی نبوده است و اصول آن نباید تحت تأثیر فرهنگ و گرایش‌های ملی و قومی قرار گیرد. طرح مسئله ایران در الگوی اسلامی پیشرفت فارغ ازاین‌گونه برداشت‌هاست و موضوعیت مسئله ارزش‌های اجتماعی و ایران اساساً با چنین پیش‌فرض‌هایی در آمایش بنیادین قابل قیاس و تبیین نمی‌باشد. مفهوم ایرانی بودن آمایش به‌رغم تلقی ظاهری آن، به قلمرو خاص ملیت اشاره ندارد بلکه به طرح مفهوم بسیار عمیق و فلسفی نسبت داده می‌شود که بیشتر برگرفته از نظریه ساپیر ورف[1] و ملاصدراست (شکل۲).



شکل۲- الف، صدرالمتالهین ب، بنجامین لی ورف

ورف معتقد است هر جامعه‌ای می‌تواند دستگاهی زبانی و فرهنگی را شامل شود که نوع فهم و ادراک آن جامعه از محیط و جهان به آن بستگی خواهد داشت.

[1]. ورف بر این نکته تأکید دارد که ساختار زبان ما تا حدود زیادی بر نوع درک ما ازجهان تأثیر می‌گذارد بطوریکه زبان تنها وسیله‌ای برای بیان عقاید نیست، بلکه شکل دهنده عقاید نیز هست. بدین ترتیب ما جهان را آنچنان درک می‌کنیم که زبان مادری برای ما ترسیم می‌کند. او بر این نکته تأکید دارد که ما طبیعت را در راستای خطوطی موشکافی می‌کنیم که توسط زبان مادریمان مشخص شده است. لذا جهان در جریان دستگاه زبانی و فرهنگی که توسط ذهنمان سازماندهی می‌شود نمود پیدا می‌کند.

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.29252/geores.33.1.26]

اگر به همین مختصر درباره نظریه ورف اکتفا و تأثیر دستگاه زبانی و فرهنگی جوامع را در ادراک و نوع اندیشیدن جوامع بپذیریم باید نظرات اسپیرن (۱۹۹۹) سوئدی راجع به چشم‌اندازهای جغرافیایی را مدنظر قرارداد. او چشم‌اندازهای جغرافیایی را دستگاهی معادل دستگاه زبانی معرفی و آن‌ها را یک متن نانوشته معرفی می کند که قواعد دستوری و ساختاری مشابه دستگاه زبانی دارد و منطقی برچیدمان آن حاکم است. این مفاهیم توسط (راهدان، ۱۳۹۵: ۱۱۵) با تمسک به نظر ملاصدرا درمجموعه‌ی سید محمد شیرازی مشهور به ملاصدرا[۱] عنوان دستگاه جغرافیایی ایران[۲] معرفی و سعی کرده ، مفهوم ایران در قالب یک نظریه شناخت‌شناسی معنا شود و جهان‌شمولی دانش آمایش متداول را به چالش بکشد. چنین برداشتی از ایران در تبیین هویت مکانی[۳] و حافظه زمانی[۴] این سرزمین نتایجی را به دنبال داشته که از آن جمله طرح نظریه هویت آینه‌ای ایران[۵] بوده است. به‌طورکلی ایران ظرفی مکانی تلقی می‌شود که ارزش‌های اجتماعی در آن باید تجلی یابد ولی این ظرف یک دستگاه سرزمینی است و بسیار فراتر از تحلیل‌های معمول، در شکل دادن چارچوب‌های معرفتی، منطق و سازمندی‌های طبیعی و اجتماعی ساکنین آن عمل می کند، به همین خاطر او معتقد است بدون شناخت دستگاه جغرافیایی ایران هر چیدمان فضایی طراحی شود در عمل با اقبال روبرو نخواهد شد و تجارب تاریخ معاصر، گواهی بر این اتفاق است. دستگاه جغرافیایی بر این حقیقت تأکید دارد که تنوع سرزمینی نه‌تنها عاملی در ایجاد سازمندی‌های اجتماعی است که تحول و پیشرفت هر سرزمینی بدون فهم این مفهوم با موفقیت روبرو نخواهد بود. دستگاه جغرافیایی منظومه‌ای است که نحوه و شکل تحول سرزمینی را در قالبی پایدار تقریر می کند و اصول دانش آمایش در این حوزه را به ما نشان می‌دهد. این اصطلاح که با مفهوم جدیدی وارد ادبیات علمی شده و بیشتر متأثر از بینش معناشناسی در جغرافیاست، بر این نکته تأکید دارد که نقش عوامل و مولفۀهای جغرافیایی چیزی فراتر از تأثیرگذاری و تأثیرپذیری‌های متقابل محیط بر انسان است. لذا با چنین تفسیری از ایران مفهومی علمی در دانش آمایش برای آن قائل می‌شود .

ساختار الگو درآمایش

تفاوت دیگر در متون مطرح‌شده در مرکز، مراتبی است که برای تحول و دستیابی به اهداف در نظر گرفته‌شده است. با این وصف اگرچه تفاوت‌هایی ازنظر واژگان محرز است ولی این واژگان با آنچه در آمایش متداول در نظر گرفته می‌شود قابلیت معادل‌سازی دارد جدول (۱). آنچه در این زمینه می‌توان به‌عنوان افتراق از آن یادکرد بار معنایی در پاره‌ای از سطوح و مراتب

طراحی‌شده است. اگرچه تعدادی از محققان مرکز براین باورند که ساختار تدوین‌شده با آن چه در آمایش متداول وجود دارد مشابه و از ساختاری سلسله مراتبی تبعیت می کند. لذا همواره این نقد بر ساختار الگو وارد بوده که با توجه به نقش ساختارها در عملکردها[۶]، نمی‌توان از این تشابه به‌سادگی گذشت (شکویی،۱۳۸۵: ۶۷). به عبارتی با توجه به اینکه الگوهای ساختاری درنتیجه عملکرد عوامل در سیستم بسیار مؤثر است، همواره این تردید وجود خواهد داشت که با توجه به آن که الگوهای توسعه‌ای در

---

۱. سید محمد شیرازی مشهور به ملاصدرا: **ان** اختلاف المذاهب بین الناس وتخالفهم فی باب معرفۀ الحق یرجع الی اختلاف انحاء مشاهداتهم لتجلیات الحق، والرد والانکار منهم یؤول الی غلبۀ احکام **بعض المواطن** علی بعضهم دون بعض والاحتجاب **بعض المجالی** عن واحد دون آخر، فاذا تجلی الحق بالصفات السلبیۀ للعقول القادسۀ یقبلونه تلک العقول... مواطن جمع وطن و به معنی ساده آن جغرافیای مناطق است. در مورد مجال تاکید بر زمان است. یعنی شرایط زمانی، از جمله مولفه تاثیرگذار، بر شناخت است.

۲. دستگاه جغرافیایی(Geographical device) منظومه‌ایست که تفاوت‌های محیطی، زبانی، فرهنگی، رفتاری و سازمندی‌های مکانی و اجتماعی را شکل داده و بر نحوه توزیع و ارتباط آن‌ها با یکدیگر دلالت دارد و بر اساس همین اصل است که آمایش یک سرزمین بدون شناخت و به رسمیت شناختن دستگاه جغرافیایی آن عقیم مانده و تحول و پیشرفت را در آن ناکام و جز آشفتگی محیطی و اجتماعی ثمر دیگری نصیب ما نخواهد کرد.

۳. Space identity

۴. Time memory

۵. Mirror identity

۶. Function

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.29252/geores.33.1.26]

اسناد راهبردی متداول، دارای الگوی سلسله مراتبی هستند، بنابراین نمی‌توان با تغییر محتوای الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت تغییری به‌غیراز آنچه در الگوهای متعارف نتیجه شده است را انتظار داشت.

جدول ۱- معادل‌سازی تقریبی واژگان در ساختار آمایش بنیادین و آمایش متداول

مراتب آمایش متداول	مراتب آمایش بنیادین
مبانی	مبانی [۱]
مأموریت	آرمان [۲]- رسالت [۳]
چشم‌اندازها	افق [۴]
راهبردها	تدابیر [۵]

سازمندی‌های منطقه‌ای [۶]، آرزومندی‌های ملی [۷] و تمدن اسلامی [۸]، به جای فضا،

جمعیت و فعالیت

نوعی دیگری از تفاوت آشکار بین آمایش متداول و بنیادین معطوف به تعریف از واژه آمایش است. در آمایش متداول بحث سه حوزه فضا، جمعیت و فعالیت رکن تلقی شده است. اگرچه ممکن است دانشمندان این حوزه، اضافات و یا تشریحاتی بر آن داشته باشند ولی اصل کار آن‌ها در این سه مفهوم خلاصه می‌شود. این مفهوم در آمایش بنیادین تغییرات جدی یافته است [۹]. در تعریف از آمایش بنیادین سه رکن سازمندی‌های منطقه‌ای، آرزومندی‌های ملی و تمدن اسلامی مطرح‌شده است و با چنین تعبیر تلخیص شده‌ای چیدمان فضای زیستی را در قلمرو سرزمینی طراحی و تدوین می‌نمایند. اما این تعریف با آنچه در آمایش متداول آمده است تفاوت‌های ماهوی دارد. این تفاوت‌ها بیشتر معطوف به نگاه کلی به آمایش و نظریه‌هایی دارد که بر مبنای آن "پیشرفت" تعریف‌شده است و می‌توان این تفاوت‌ها را به شرح زیر خلاصه نمود:

– جامعه‌ای که در آمایش متداول، جمعیت فرض شده است به‌صورت مهره‌ای که می‌توان به نحو دل‌خواه، آن را مهندسی کرد مطرح می‌شود. حال‌آنکه در به رسمیت شناختن سازمندی‌های اجتماعی (که تابعی از ویژگی‌های سرزمینی و نتیجه تعامل تاریخی ساکنین با سرزمین و مفهوم فضا در دل آن معنی پیدا می‌کند) از این امر پرهیز می‌شود. در آمایش بنیادین به‌جای فضا، سازمندی‌های اجتماعی مطرح شده است که خود نه‌تنها بیانگر رابطه فضایی ساکنین با سرزمین است که ساختار چنین فضایی را در برمی‌گیرد و در هم پیوندی بین آن‌ها فاصله به مفهوم متریک ندارد و بیشتر بار معنایی پیدا می‌کند.

– در آمایش متداول سیری جبری در تحول جوامع بشری از ایل‌نشینی به روستانشینی و از روستانشینی به شهرنشینی تدوین‌شده است. در برنامه‌های ملی چنین روندی را دنبال می‌کنند زیرا جامعه شناسان در سیر تکوین جوامع چه در آثار مارکس و چه در

---

۱. منظور از مبانی(Fundamental)،پیش‌فرض‌ها واصول موضوعه وزیر ساخت دیگر ارکان الگو که بر پایه تعالیم الهی‌است.

۲. منظور از آرمان‌های(Ideal) الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، مبنایی‌ترین ارزش‌های، فرازمانی، فرامکانی و جهت دهنده پیشرفت است، مبنایی ترین ارزش آرمانی انسان نیل به خلافت الهی است.

۳. منظور از رسالت(Duty)، تعهد آگاهانه و عقلانی ملت و مسئولان نظام جمهوری اسلامی به حرکت در جهت آرمانها برای احیا تمدن اسلامی مبتنی بر تعالیم اسلام است.

۴. منظور از افق(Horizon)، هدف‌های مطلوب و قابل حصول ۵۰ سال آینده پس از آغاز اجرای الگوست.

۵. منظور از تدابیر(Policies)، تصمیمات کلان و اقدامات اساسی برای نیل به افق است.

۶. Regional or Social configuration

۷. National desire

۸. Islamic civilization

۹. "ارتقا و بهبود سازمندی‌های محلی و منطقه‌ای در تحقق آرزومندیهای ملی، در دستیابی به تمدن نوین اسلامی"

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.29252/geores.33.1.26]

آثار رقبای لیبرال آن‌ها سیر تکوین جوامع بشری از غارنشینی، میوه‌چینی، دام‌پروری و ایل‌نشینی، ده‌نشینی و شهرنشینی و یا به تعبیری دیگر به کمون اولیه، برده‌داری، فئودالیته، سرمایه‌داری و سوسیالیسم را روندی تاریخی معرفی می‌کنند. لذا اضمحلال بسیاری از سازمندی‌های اجتماعی، در شهرنشینی، محکومیت نهایی آن‌ها شمرده می‌شود (زیباکلام، ۱۳۹۰: ۴۵). بنابراین در آمایش متداول فضا عاری از روابط اجتماعی موجود تلقی شده است و اکثراً تلاش بر آن است که سازمندی‌ها و نهادهای اجتماعی بومی حذف و سازمان‌های اجتماعی جدید که بیشتر برگرفته از فضای اجتماعی فرهنگ آتن است جایگزین یا تقویت شوند. حال‌آنکه آمایش بنیادین سازمندی‌های اجتماعی محلی و منطقه‌ای را به رسمیت می شناسد و سیر تکوین مستقلی برای آن‌ها قائل است و سیر جبری تبدیل این سازمندی‌ها به شهرنشینی را برنمی‌تابد.

- آمایش متداول بیشتر معطوف به جنبه‌های اقتصادی فضا است و لذا ساختار کلی آن بیشتر بر تمرکزگرایی از یکسو و عدم برسمیت شناختن مفهوم تعادل در فضا[۱] استوارشده است. در مقابل آمایش بنیادین بر اساس ویژگی‌های سرزمینی میزان تمرکز و افتراق و پخشیدگی فعالیت‌ها را تدوین و تعادل در فضا را از مهم‌ترین ارکان آمایشی می‌داند[۲].

آرزومندی

در آمایش متداول هدف کلی، دست‌یابی به توسعه تعریف‌شده در نظام بین‌المللی است و هدف نهایی آن ایجاد حلقه‌ای اقتصادی و اجتماعی از سلسله حلقه‌های اقتصاد و جامعه تعریف‌شده سیستم جهانی در فرهنگ آتن است. حال آن‌که در آمایش بنیادین آرزومندی‌های محلی در سلسله حلقه تحقق آرزوی ملی تعریف و هدف غایی برپایی تمدن اسلامی تصویر شده است. تمدن و مدنیت از جمله نکات بسیار مهم آمایش بنیادین است، زیرابه نظر آن‌ها جامعه‌ای را می‌توان متمدن دانست که قادر به شناخت و کالبدشکافی مسائل خود بوده و با خلاقیت جمعی قادر به ارائه راه‌حل آن باشد. به‌عبارت‌دیگر بلوغ مدنی جامعه از اهداف آمایش بنیادین تعریف و این بلوغ را در فضای ارزش‌های فرهنگ هلال خصیب جستجو می‌کنند. این تفاوت‌ها را در کل می‌توان در تفاوت نظریه "پیشرفت" مرکز با نظریه" توسعه" در آمایش متداول تلقی کرد[۳].

– در آمایش متداول همواره گروهی از متخصصان در تدوین و تأیید برنامه‌های توسعه به‌عنوان فرهیختگان جامعه دخالت داشته و کمتر به آرزومندی‌های محلی وقعی گذارده می‌شود، حال آن‌که در آمایش بنیادین چون رشد و بلوغ فکری جوامع اصل قرار می‌گیرد لذا مشارکت فکری آحاد مردم در نظریه‌پردازی ، تدوین، و تألیف اصول آمایشی، متن اصلی پیشرفت تلقی می‌شود.

اهداف غایی در آمایش متداول

از جمله تفاوت‌های مشهود بین آمایش متداول و بنیادین در اهداف غائی آن‌هاست. همان‌گونه که اشاره شد هدف غایی آمایش سرزمین به روش متداول، دستیابی به مفهوم جهانی توسعه است. در این فرایند نظامی جهانی تدوین‌شده که مناطق و کشورها حلقه‌های خاصی از این نظام محسوب شده و همگی در چنین مداری قرار می‌گیرند. ازاین‌رو سازوکارها و شاخص‌های

---

۱. تعادل فضا در آمایش بنیادین ترجمان اصل عدالت اجتماعی در جامعه شناسی است.

۲. میسرا(Mishra) از اساتید دانشگاه هارورد در دهه سال‌های ۱۳۳۲ با ارائه نظریه اقطاب رشد بر تمرکز جمعیت ایران در ۸ نقطه شهری تاکید و آن را ضرورت تحول و توسعه در ایران قلمداد کرد. وی ضمن تعیین نقاط قطب، بصراحت مناطقی که جمعیت آنها می‌بایست در این ۸ نقطه شهری تمرکز یابند را نیز مشخص کرد و این در حالی بود که در سرزمین ایران با بیش از ۷۰ هزار روستا دارای پراکندگی و پخشیدگی روستای خاصی بود و حکایت از یک اصل مهم سرزمینی داشت و آن اینکه این سرزمین امکاناتش متفرق و دارای پخشیدگی است و آنچه در این نظریه پنداشته شده بود درست عکس اصول سرزمینی بود. این سیاست جان و کالبد همه برنامه‌های ۵ ساله ایران چه در دوران پهلوی و چه دردوران جمهوری اسلامی را شکل داده و بسیاری معتقدند که بخش عمده‌ای از مشکلات زیست محیطی و اجتماعی امروز ایران معلول اجرای چنین نظریه‌ای بوده است.

. پیشرفت در یک جامعه را می توان میزان بلوغ آن جامعه در شناخت مسائل و خلاقیت در حل و ارائه راهکارهای آن دانست و این امر در تفکر اسلامی در دو اصل عدل ۳ و صدق تقریر شده است.

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.29252/geores.33.1.26]

ارزیابی و نهادهای به وجود آمده در این سیستم، همگی به‌گونه‌ای طراحی و تعریف‌شده‌اند که چنین سیستمی را پشتیبانی کند. در مقابل هدف غایی آمایش بنیادین بیشتر معطوف به شکل دادن تمدن نوین اسلامی است و این تفاوت در هدف‌گذاری غایی تفاوت‌های چشم‌گیری را در بسیاری از مسائل به دنبال خواهد داشت.

از جمله تفاوت‌های اساسی دیگر در آمایش متداول و بنیادین روش‌های تحقیقات آمایشی است. روش تحقیق در آمایش متداول بیشتر متکی به روش‌های کمی و عقلانیت ابزاری است که در دنیای علمی امروز تقریباً مندرس و روش‌های تفسیری، و تاویلی جایگزین آن می‌شود[۱]. این تفاوت‌ها بیشتر در مبانی کشورشناسی ایران نمود می‌یابد. در آمایش بنیادین ، ایران سرزمینی متکثر با هویتی واحد خوانده‌شده که پخشیدگی[۲] رکن توزیع جمعیت انسانی در آن است و آنچه تحت عنوان تنوع زبانی، قومی و.... در ایران مطرح است را بر اساس قانون تنوع[۳]، عامل وحدت ایران می‌داند، حال‌آنکه در اصول آمایشی متداول وجود تنوع قومی، زبانی، مذهبی معمولاً عامل چالشی و واگرایی تلقی می‌شود. همچنین بر اساس دیدگاه‌های تاویلی در آمایش بنیادین موقعیت جغرافیای ایران نه‌تنها بستر مناسبی برای شکل‌گیری تمدنی دریا پایه و خشکی پایه که به‌عنوان تغییردهنده ژئوپلیتیک منطقه و تغییر اهمیت خط سیاسی اقیانوس هند، باب المندب، سوئز به محور دریای عمان، خزر، ولگا اروپا معرفی می‌شود (شکل ۲،ب). به تعبیری دیگرامایش بنیادین معتقد است ، استناد به روش‌های تجربی صرف و عقلانیت ابزاری در آمایش متداول سبب شده که بسیاری از روابط فضایی پنهان، در مطالعات ملحوظ نشود و این موضوع عدم شکل‌گیری یک نظریه بنیادین سرزمینی را سبب شده است. بدون تردید نداشتن نظریه‌ای اساسی در آمایش یک سرزمین سبب می‌شود که به‌طور غیرمتعارف تغییر در سیاست‌ها رخ دهد و فعالیت‌های دوره‌های زمانی بجای تقویت و پشتیبانی کردن از یکدیگر همدیگر را خنثی و سبب اتلاف منابع و از دست رفتن فرصت‌های زمانی شود.



شکل ٤- مسیر جایگزین دریایی آسیا، سوئز، اروپا از طریق کریدور ایران ولگا

نتیجه‌گیری

آنچه بیش از همه سبب بازنگری در چارچوب و اصول دانش آمایش متداول در ایران شده است، شکنندگی بیش‌ازپیش آستانه‌های محیطی و ناپایداری در سازمندی‌های عشایری، روستایی و شهری ایران بوده است. آنچه در مرکز الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت می‌گذرد در واقع پاسخی به ناکامی‌های اجرای برنامه‌های ۵ دهه در ایران است. ازنظر بسیاری از محققان ایرانی نه‌تنها تغییر در روش کشور شناختی آمایش ضرورت جدی دارد که نمی‌توان برای تحقق پیشرفت و تحول اجتماعی نیز بدون داشتن یک‌پایه نظری، به کامیابی مطلوب امیدوار بود. نتایج اولیه مطالعات و بررسی‌های مرکز الگوی اسلامی–ایرانی پیشرفت

۱. Discourse analysis
۲. Disparity
۳. Diversity

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.29252/geores.33.1.26]

منجر به طرح ایده "دستگاه جغرافیایی ایران" و نظریه "پیشرفت ایرانشهر" و "هویت آیینه‌ای" از یکسو و بازخوانی اصول متداول آمایش سرزمین از سوی دیگر شده است. ایده دستگاه جغرافیایی و هویت آیینه‌ای ایران که بیشتر متأثر از بینش معناشناسی در دانش آمایش است بر این نکته تأکید دارد که نقش عوامل و مؤلفه‌های سرزمینی چیزی فراتر از تأثیرگذاری و تأثیرپذیری محیط بر انسان و تأثیرات متقابل است و آن را باید ابزاری مفهومی در مقابل عقلانیت صرف ابزاری دانست که هویت مکانی، ارتباط معنایی سازمندی‌های اجتماعی و منظومه‌ای از فرآیندهای جغرافیایی که به‌صورت چشم‌اندازهای هویت دار تبلور می‌یابد را توضیح می‌دهد. این طرز تلقی از آمایش سبب شده که افتراق‌ها و تفاوت‌های عمده‌ای در روش‌شناسی، تعریف مفاهیم، مراتب ساختاری، و اصالت هویت مکانی سازمندی‌های اجتماعی جمعیت‌ها دیده شود (جدول۲).

جدول ۲- تفاوت‌های کلامی، مفهومی، ساختاری در آمایش متداول و بنیادین

افتراق‌های کلامی		افتراق‌های ساختاری		افتراق‌های مفهومی	
آمایش متداول توسعه	آمایش بنیادین پیشرفت	آمایش متداول ساختار سلسله مراتبی	آمایش بنیادین شاخه‌ای فرایندی	آمایش متداول هدف غایی توسعه	آمایش بنیادین هدف غایی تمدن
فضا-جمعیت-فعالیت	سازمندی اجتماعی آرزومندی محلی وملی	ساختار فرهنگی آتن	ساختار فرهنگی هلال خصیب	بهره‌مندی اجتماعی	بلوغ و خلاقیت مدنی
عدالت اجتماعی	تعادل فضایی	روش کمی عقلانیت ابزاری	روش تاویلی ابزارهای مفهومی	.....	ایرانی بودن
مأموریت	آرمان	تدوین اصول آمایش توسط اندیشمندان	تدوین اصول آمایش مشارکتی عام	هنجارهای بین‌المللی	اسلامیت
چشم‌انداز	افق	تکوین جبری مدنی	تکوین مستقل سازمندی‌ها	.....	هویت آینه‌ای
راهبرد	تدابیر	تمرکزگرایی	پخشیدگی	.....	دستگاه جغرافیایی

مدعیان آمایش بنیادین بر این باورند که با به رسمیت شناختن سازمندی‌های منطقه‌ای، احترام به هویت اجتماعی و سرزمینی تحقق و مشارکت همه‌جانبه، ایجاد خلاقیت عام (به‌عنوان رکن اولیه ایجاد پیشرفت) فراهم می‌آید. بنابراین شاخص هویت مکانی در دانش آمایش سرزمین، به‌عنوان تضمین‌کننده رشد خلاقیت در جوامع هدف معرفی و سرزمین‌ها به‌مثابه یک متن تلقی می‌شود که متشکل از عناصر معناداری است که پیشرفت بدون توجه به این متن قابل تحقق نیست.

منابع و مآخذ

- آرامی، حسین (۱۳۹۵)،آمایش سرزمین تحلیل پیشینه عملیاتی و تجربیات در ایران، تهران، نشر الگوی پیشرفت، سلسله تک‌نگاشت‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
- ابراهیمی، رضا (۱۳۹۵)، تحلیل انتقادی و آسیب‌شناسی برنامه‌های آمایش (برنامه‌ریزی آمایش) در ایران، تهران، نشر الگوی پیشرفت، سلسله تک‌نگاشت‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
- افلاطون، توماس هابز، جان لاک، جان استوارت میل، کارل مارکس (۱۳۹۰)، پنج گفتار در باب حکومت، ، صادق زیباکلام تهران، انتشارات روزنه، چاپ یکم.
- ایمان، محمدتقی، روش‌شناسی تحقیقات کیفی (۱۳۹۳)، قم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم.
- راهدان‌مفرد، محمد (۱۳۹۵)، دستگاه جغرافیایی ایران، تهران، نشر الگوی پیشرفت، سلسله تک‌نگاشت‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.29252/geores.33.1.26]

- شکویی، حسین (۱۳۸۵)، فلسفه‌های محیطی و مکتب‌های جغرافیایی، تهران، انتشارات گیتاشناسی.
- صادقانی شیرازی، مهدی (۱۳۹۵)، تحلیل پیشینه عملیاتی و تجربیات (برنامه‌های) آمایش در کشورهای منتخب، تهران، نشرالگوی پیشرفت، سلسله تک‌نگاشت‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
- فرج زاده، منوچهر (۱۳۹۵)، تحلیل و تبیین مبانی نظریه‌ها و روش‌شناسی متعارف آمایش سرزمین، تهران، نشر الگوی پیشرفت، سلسله تک‌نگاشت‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
- قورچیان، نادرقلی، جمشیدی اوانکی، مینا (۱۳۸۵)، از آمایش سرزمین تا برنامه‌ریزی درسی، تهران، انتشارات فراشناختی اندیشه.
- وحیدی، پریـدخت (۱۳۷۳)، آمایش سرزمین راهنمایی برای برنامه‌ریزی آمـوزش عالی، تهران، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، سال دوم، شماره ۷ و ۸، صص۴۵-۲۳.

- Aden, j., Morgan, R. (2001), Regional Planning, A Comperehensive View, Leonard Hill Books.
- Bohm, K. (2002), Nordic Echoes of European Spatial Planning: Discursive Integration in Practice. Stockholm Nordregio (Nordregio Report 2002:8).
- Dilthey, w. (1991), Introduction to the Human Sciences, Edited by Rudolf A. Makkreel Frithjof Rodi Princeton University Pub.
- ESPON (2013), Regions and Cities in the Global Economy, Luxembourg European Spatial Planning Observation Network – Study Program European Spatial Planning (ESPON).
- European Commission (1997), Compendium of European Planning Systems. Regional Development Studies Report 28, Luxembourg Office for Official of the European Communities Pub.
- Fairclough, N. (2010), Critical Discourse Analysis, 2nd Edition. London, Longman.
- Foucault, M. (1986), Foucault Reader (ed. P. Rabinow), London, Penguin Books.
- Hansen, N., Higgins, B., Donald J, S. (1990), Regional Policy in a Changing World, Springer Science Business Media. Business Economics.
- Hansen, N.M. (1968), French Regional Planning. Edinburgh Indiau University Pub.
- Henry, W. (2002), Curriculum: Perspective, Paradigm Possibility, Leonard Hill Books.
- Koresawa, A., Konvitz, J. (2001), Towards a New Role for Spatial Planning in OECD. Paris OECD Service Pub.
- Lacaze, J.P. (1995), Introduction à la planification Urbaine, Editeur (s) Presses des Ponts.
- Mayers, N. (1994), The Cairo Crunch, People the Plant, Springer Verlage, New York.
- Miller, G.F. (2001), Environmental Resource Management, Wadworth Pub. CO.
- Misra, R. P. (1978), Regional Planning, Concept-Techniques-Policies and Case Studies Centre for Gandhian Studies Peace Research: Concept Company New Delhi Pub.
- Misra, R.P. (1978), Regional Planning in Iran Problems and Prospects, New Delhi Vikas House Pub.
- Mitchel, G. (2003), A Firm with a Philosophy WWW.AVG.Siliconvalley.com.
- Nadin, V. (2000), Spatial Planning and Spatial Development in Europe – Parallel or Converging Track?, Edited O. Sykes, London European Council of Town Planners Conference.
- Needham, B. (1988), Continuity and Change in Dutch planning Theory, in Neth. J. of Housing and Environmental Research, Vol. 2, No. 4, pp. 89-106.
- Stead, D., Geerlings, H, Meijers, E. (2004), Policy Integration in Practice the Integration of land-use Planning, Transport and Environmental Policy- Making in Denmark, England and Germany, Delft University Pub.
- Stead, D., Nadin, V. (2008), Spatial Planning Key Instrument for Development and Effective Governance with Special Reference to Countries in Transition.
- Vasilevska, L, Milanka, V. (2009), Strategic Planning as a Regional Development Policy Mechanism: European Context, Spatium International Review 21, pp. 19-26.
- Whiston Spirn, A. (1998), The Language of Landscape Yale University Press New Haven and London.
- Whorf, B. L. (1952), Collected Papers on Metalinguistic Washington Foreign Institute, Department of State.
- Whorf, B. L. (1956), Thought and Reality Selected Writing of B.L. John Carroll, Editor, NewYork John Wiley Song.
- William, R. H. (1996), European Union Spatial Policy and Planning, London Paul

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.29252/geores.33.1.26]